

سیادت و جنسیت

بررسی مفهوم سیادت در دو نسخه خطی نویافته

حسن الهیاری*

محمد رضا قلیزاده**

چکیده

یکی از مفاهیم نیازمند بررسی در تاریخ اسلام و ایران، به‌ویژه در دوره صفوی، مفهوم سیادت است. گرچه این مفهوم از آغاز تا دوره صفویه مسیری انقباضی (هاشمی، طالبی، علوی، و فاطمی) طی کرد، درباره انتساب سیادت (پدری یا مادری) دیدگاه‌های تازه‌ای نیز پدید آمد. نگارندگان این مقاله موفق شدند دو رساله به نام‌های *الاشراف علی سیادة الاشراف* تألیف سیدحسین بن مجتهد کرکی (د ۱۰۰۱ق) و *رسالة فی اولاد البنات یا اثبات سیادة اولاد الاناث* تألیف سیداحمد بن زین‌العابدین علوی عاملی (د ۱۰۶۰ق) را بازشناسی کنند که نویسندگان آن‌ها درصددند ره‌یافتی متفاوت با گفتمان غالب عصر خویش درباره انتساب سیادت ارائه دهند. هم‌چنین در این پژوهش برآنیم ضمن بازشناسی و معرفی این دو نسخه خطی با تکیه بر تحلیل تاریخی مفهومی و متنی نسخ فوق به بررسی اندیشه‌های مؤلفان آن درباره مفهوم سیادت بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: سیادت و جنسیت، عصر صفوی، سیدحسین مجتهد کرکی، سیداحمد علوی عاملی.

۱. مقدمه

دوره صفویه در تاریخ ایران منشأ اثرها و تحولات بسیاری بوده است که در دو موضوع

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، (نویسنده مسئول)، hasanallahyari@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، rezatarikh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۳۰

تغییر وضع سابق و ابداع وضع جدید قابل بررسی‌اند. در بعد مذهبی اگر نگوییم حذف کامل، دست‌کم جلوگیری از توسعه‌تسنن و ترویج مذهب تشیع تا مرحله تثبیت مذهب رسمی درخور توجه است. بر این اساس، این مسئله در عرصه حیات اجتماعی این عصر تغییراتی ایجاد کرد. در این میان به‌نظر می‌رسد یکی از ابعاد آن، یعنی اهمیت یافتن جایگاه سادات، کم‌تر توجه اهل نظر را برانگیخته است.^۱ بدین ترتیب، بخشی از تاریخ اجتماعی این دوره از ایران تحت حاکمیت مذهب تشیع، متأثر از گروهی اجتماعی به نام «سادات» شکل گرفته است. سادات به گروهی گفته می‌شود که از طریق پیوند نسبی با خاندان پیامبر اسلام در جامعه اسلامی جایگاهی ویژه و نوعی تمایز و برجستگی دارند. گرچه می‌توان پدیده مذکور را از زوایای گوناگون بررسی کرد، اما هدف تحقیق در این جا معرفی و بررسی دو نسخه خطی به یادگار مانده از عصر صفویه است که به‌دست دو تن از سادات اندیشمند و عالم این عصر به نام‌های سیدحسین مجتهد کرکی و سیداحمد علوی عاملی نگاشته شده است تا با توجه به چگونگی انتساب سادات با بنیان‌گذار دین مبین اسلام و مذاقه در آن‌ها امکان بازشناسی گوشه‌ای از مسائل اجتماعی زنان فراهم شود، زنانی که در این عصر و اعصار دیگر تاریخ ایران با عنوان «ضعیفه»^۲ معرفی می‌شدند تا به‌خوبی روایتگر وزن و جایگاه اجتماعی این بخش از اجتماع زمان خویش باشند. آنچه در این نسخ شایسته تأمل است این است که نویسندگان آن‌ها بر خلاف دیگر مصادر شیعی و گفتمان غالب عصر خویش درباره زنان به انتساب سیادت از جانب مادر نیز معتقدند. این در حالی است که گفتمان غالب این عصر و حتی اعصار گذشته سیادت را فقط از ناحیه پدر صحیح می‌دانست. این دو رساله یکی موسوم به *الاشراف علی سیادة الاشراف*^۳ تألیف سیدحسین بن مجتهد کرکی و دیگری موسوم به *رسالة فی اولاد البنات یا اثبات سیادة اولاد الاناث*^۴ اثر سیداحمد علوی عاملی است. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، مسئله انتساب سیادت از جانب مادر در دوره مذکور تاکنون از سوی اندیشمندان این حوزه بررسی نشده و مقاله پیش رو در نوع خود بدیع است. در پژوهش حاضر نسخ مد نظر بر اساس شیوه تحلیل تاریخی مفهومی و متنی بررسی شده و به نتایج و رهیافت‌های برآمده از آن‌ها توجه شده است تا ضمن تشریح اندیشه این دو عالم در این مقوله به پرسش زیر پاسخ داده شود:

چرا در عصر صفوی اثبات سیادت از جانب مادر از طریق مجتهد کرکی و احمد علوی عاملی مطرح شد و اهمیت یافت؟

بر همین مبنا در قسمت بعد به‌منظور آگاهی نسبی از وضعیت سادات، نخست توجه دولت صفوی و جامعه آن عصر به سادات تشریح می‌شود، سپس سادات حاضر در آن

جامعه دسته‌بندی می‌شوند. این مهم به آن منظور است که دو چهره مد نظر و وزن اجتماعی و علمی آن‌ها به‌طور دقیق‌تری سنجیده و تبیین شود.

۲. مروری بر وضعیت سادات در ایران دوره صفوی

گرچه سادات در دوره پیشاصفوی نیز در ایران جایگاه حائز اهمیتی داشته‌اند، اما در دوره صفویه بنا بر اتخاذ رویکردهای حاکمان صفوی به این جایگاه به شکلی جدید توجه شد. در واقع اقبال صفویان به رسمیت تشیع و ادعای آن‌ها مبنی بر سیادت عملاً عرصه را برای بزرگ‌داشت فوق‌العاده سادات در ایران فراخ‌تر کرد.

این حضور گسترده خود را در دو بعد جامعه و حکومت به‌شکل وسیعی نشان داد. تصاحب مناصب اختصاصی و غیراختصاصی به‌دست سادات در حکومت صفوی و ترجیح آن‌ها برای دستیابی به مناصب در موقعیت‌های برابر و حتی پایین‌تر از عناصر غیر سید در این دوره آشکارا دیده می‌شود. از جمله مناصب اختصاصی سادات در دوره صفویه منصب صدر و تولیت بود و اگرچه مشاغلی مانند وزارت عظمی و کلانتری غیراختصاصی بود، اما حضور چشم‌گیر سادات صاحب این مناصب نشان می‌دهد صفویان به‌منظور تحکیم مشروعیت حاکمیتشان معمولاً ترجیح می‌دادند در موقعیت‌های برابر از سادات استفاده کنند.^۵ افزون بر این، مشاغلی مانند شیخ‌الاسلامی، استیفا، و خطابت نیز عرصه حضور پررنگ سادات در بدنه حکومت صفوی بود.^۶ به‌موازات حضور در بدنه حکومت گسترش کانون‌های جمعیتی سادات در مناطق مختلف ایران عصر صفوی از نفوذ آن‌ها در جامعه حکایت دارد.

اکنون بر اساس موقعیت زمانی و مکانی ایران عصر صفوی سادات به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته نخست ساداتی‌اند که قبل از صفویان به علل گوناگون به ایران مهاجرت کرده و متوطن شده بودند و دسته دوم ساداتی‌اند که در دوره صفویه با توجه به سیاست‌های شیعی حکومت یا به‌دلیل مشکلاتی در مناطق سنی‌مذهب خود به ایران مهاجرت کرده بودند. بر اساس دسته‌بندی بالا آن‌ها به دو گروه سادات ایرانی و غیرایرانی تقسیم می‌شوند. در دوره صفویه خاندان‌هایی مانند سادات عبدالوهابی، لاله، دشتکی، انجوی، شریفی، استرآبادی، دستغیبی، خبیصی، مشعشی، نعمت‌اللهی، مرعشی، کیایی، خلیفه سلطانی، شهرستانی، و رضوی از زمره ساداتی‌اند که قبل از صفویان در ایران ساکن شده بودند. همان‌طور که گفته شد گروهی نیز در دوره صفویه به ایران مهاجرت کردند. در میان این گروه خاندان‌های بزرگ ذیل را می‌توان نام برد:

۱. خاندان سادات کرکی که از منطقه کرخ نوح جبل عامل به ایران مهاجرت کردند؛
۲. خاندان سادات علوی که از جبل عامل آمده بودند؛
۳. خاندان سادات کمونه که از عراق عرب به ایران مهاجرت کردند؛
۴. خاندان سادات جزایری نیز از عراق عرب به ایران مهاجرت کرده بودند؛
۵. خاندان سادات بحرانی که از منطقه بحرین به پس کرانه‌های شمالی خلیج فارس و درون فلات ایران مهاجرت کرده بودند.^۷

دو اثر بررسی شده در مقاله حاضر بخشی از محصول فکری یا میراث معنوی سادات مهاجر به ایران است. احتمالاً وجود سنت پررنگ زبانی و مذهبی یا به عبارت دیگر، پشتوانه آگاهی از ادبیات عرب به منزله زبان رسمی دین و وابستگی به خانواده‌های علمای متشرع شیعی در ایران عصر صفوی امکان نقش آفرینی بیش تر را به گروه سادات مهاجر بخشید. با توجه به اهمیت موضوع، نخست به شرح حال دو چهره عالم، مجتهد کرکی و علوی عاملی، می پردازیم.

۳. مروری بر حیات نویسندگان نسخ

۱.۳ سیدحسین بن مجتهد کرکی

مجتهد کرکی از جمله ساداتی است که در دوره صفویه به نام خاندان کرکی شناخته می شوند. این گروه از سادات یکی از مهم ترین خاندان های سادات مهاجر به ایران در دوره صفویه اند. اطلاق این نام ممکن است به دلیل نام منطقه اصلی آنها کرک یا کرخ نوح باشد که از قرای بعلبک لبنان است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

جد بزرگ این خاندان سیدضیاءالدین ابی تراب پدر سیدحسین مجتهد کرکی است که داماد محقق کرکی، مجتهد عصر شاه تهماسب، است. مهاجرت این سادات به ایران در دوره شاه تهماسب صفوی رخ داد. از همین زمان است که شهرت آنها افزایش می یابد و در بیش تر منابع تاریخ نگارانه این عصر بازشناسی می شوند. این که علل این مهاجرت تاریخی از جبل عامل به ایران چه بوده است کاملاً مشخص نیست، اما با توجه به قراین آن عصر ممکن است سخت گیری های دولت سنی مذهب عثمانی علیه آنها در منطقه جبل عامل و همچنین پایه ریزی دولت شیعی در ایران، که در نوع خود تازگی داشت و از علمای شیعه استقبال می کرد، از عوامل اصلی این مهاجرت باشند.^۸ هر چند کسی مانند سیدحسین مجتهد کرکی در شهرهایی مانند قزوین، اردبیل، و مشهد

زندگی کرده است، اما مناطق اصلی قدرت آن‌ها مراکز اصلی سیاسی و پایتخت‌های صفویان بوده است.

این خاندان عمده شهرتش در این عصر را مدیون مشارکت اداری در حکومت صفوی است. در کنار آن، برخی از چهره‌های این خاندان صبغة علمی نیز دارند. از مشاهیر این خاندان می‌توان به نام‌هایی مانند میرسیدحسین مجتهد کرکی، میرزا سیدمحمد قاضی عسکر، میرزا حبیب‌اله صدر، میرزا محمدمهدی، میرزا علی‌رضا شیخ‌الاسلام، میرزا محمد معصوم فرزند محمدمهدی، و میرزا محمدامین پسر میرزا محمدمهدی اشاره کرد.^۹

سیدحسین کرکی فرزند سیدضیال‌الدین حسن کرکی و دخترزاده شیخ علی کرکی است. او در زمان شاه تهماسب صفوی به ایران آمد و توجه وی را به خود جلب کرد. مدتی در اردبیل و قزوین صاحب منصب شیخ‌الاسلامی بود. حضور و نفوذ او در دربار صفوی با نفوذ جد مادری‌اش، محقق کرکی، در دربار صفویان بی‌ارتباط نیست. او، که در دوره شاه تهماسب صفوی به هر شکل سرآمد همه سادات و علما بود، پس از مرگش از جمله بزرگان دربار صفوی بود که در مقابل شاه اسماعیل دوم صف‌آرایی کرد،^{۱۰} اما پس از دوران کوتاه حکومت او میرسیدحسین در دوره سلطان محمد خدابنده دوباره بانفوذ و پر قدرت شد. او که تا زمان شاه عباس نیز در قید حیات بود، در ۱۰۰۱ ق درگذشت. منابع او را فردی می‌دانند که در برابر اهل سنت مواضع تنیدی داشته است (افندی، ۱۳۶۶: ج ۲، ۶۷-۶۸). از دیگر مواردی که در منابع به آن اشاره شده است ضعف علمی او در مقابل دیگر علمای دربار صفوی است که البته هیچ‌کس جسارت بروز آن را نداشت. اسکندریبگ منشی در این باره می‌گوید:

... و در اسانید شرعیه کتاب و نایبان محکمه حسب الفرموده جناب میر، توقیع او را سید المحققین و سند المدققین وارث علوم الانبیا و المرسلین خاتم المجتهدین مرقوم می‌ساختند. اگرچه علما در این باب سخن داشتند و غایبانه اذعان نمی‌نمودند، اما هیچ‌یک از فحول علما در معرض این گفت‌وگو نتوانستند درآمد (منشی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۲۳۱).

از آثار کرکی به کتاب‌های زیر اشاره می‌شود:

۱. *الافتصاد فی ایضاح الاعتقاد*؛ ۲. *التبصره فی المسائل الکلامیه*؛ ۳. *تذکره الموقنین فی تبصرة المومنین*، در اصول دین؛ ۴. *دفع المناومات*؛ ۵. *رساله فی تحقیق معنی السید و السیادة* (نسخه مد نظر)؛ ۶. *الرسالة الطهماسبیه*، در امامت؛ ۷. *صحیفة الامان فی الادعیه و الاحراز*، در اصول دین و طهارت و صلوات؛ ۸. *النفحات الصمدیه فی اجوبه المسائل الاحمدیه*؛ ۹. *النفحات القدسیه فی اجوبه المسائل الطبرسیه* (افندی، ۱۳۶۶: ۶۵-۶۸).

۲.۳ سیداحمد علوی عاملی

اجداد وی از خاندان‌های مشهور سادات در دوره صفویه‌اند که از اواخر نیمه اول دوره صفویه به تدریج از جبل عامل به ایران مهاجرت کردند. این سادات، که در زمره سادات حسینی‌اند، طی دوره صفویه در ابعاد گوناگون مؤثر بودند. شاخه اصلی سادات عاملی در قلمرو صفویان از تبار زین‌العابدین علوی عاملی است که داماد محقق کرکی است.^{۱۱} سیداحمد نیز نوه دختری محقق کرکی است و فرزندانش به‌ویژه در ابعاد علمی و مذهبی راه پدرشان را ادامه دادند. افزون بر این خانواده، افراد دیگری نیز از جبل عامل به ایران آمدند. از مشاهیر این خاندان می‌توان به سیداحمد عاملی، میرزا عبدالحسین، و میرمحمد اشرف اشاره کرد.

میرسیداحمد علوی تا ۱۰۶۰ق در قید حیات بوده است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۴۱۶). برجسته‌ترین استاد او میرداماد بود. میرسیداحمد سخت دل‌باخته میرداماد بود و بر عقایدش پای می‌فشرد. استاد دیگر او شیخ بهایی بود (حرعاملی، بی‌تا: ج ۱، ۳۳؛ افندی، ۱۳۶۶: ج ۱، ۷۳). از تألیفات او می‌توان به کتاب‌ها و رسالات زیر اشاره کرد:

۱. الهدف الالاهیة؛ ۲. كشف الحقایق؛^{۱۲} ۳. مفتاح الشفاء؛ ۴. العروة الوثقی؛ ۵. النفعات الالاهوتیة فی العبرات الالباهیة؛ ۶. لوامع الربانیة فی رد شبه النصرانیة؛ ۷. لوامع ربانی و صواعق رحمانی فی الرد علی اليهود؛ ۸. مصقل الصفا؛ ۹. فضائل السادات؛^{۱۳} ۱۰. رساله سیادة الاشراف (نسخه مد نظر)؛ ۱۱. حاشیة علی الفقیه؛ ۱۲. اللطائف الغیبیة (امین، بی‌تا: ج ۲، ۵۹۴).

همان‌طور که در عناوین تألیفات این دو عالم مشاهده شد، هر دو صاحب نوشتاری درباره سیادت‌اند. هر دو کوشیده‌اند مفهوم سیادت را به‌نحوی متفاوت تبیین کنند؛ بنابراین قبل از آن‌که به شرح رسایل این دو پرداخته شود، سیر تطور مفهوم سیادت در ادوار پیشاصفوی تا دوره صفوی به‌اختصار بررسی می‌شود.

۴. مختصری درباره تحول مفهوم سیادت از قرون نخستین اسلامی تا دوره صفوی

گرچه سیادت در مفهومی کلی به معنای انتساب به خاندان پیامبر اسلام است، اما در یک نگاه و با پژوهش دقیق علمی نتایج متفاوتی از این معنا به‌دست می‌آید. در همین زمینه مسائلی هم‌چون معنای سیادت، گستره مفهومی سیادت، و شیوه انتساب بررسی می‌شوند. پژوهش در متون فقهی، حدیثی، نسب‌نگاری، و تاریخی نشان می‌دهد مفهوم سیادت، که بیش‌تر در متن تفکر شیعی توسعه یافت، در ادوار گوناگون و تحت تأثیر عوامل مختلف

سیاسی و اجتماعی شکل گرفته بود. در این باره تشکیل حکومت بنی‌امیه، برآمدن بنی‌عباس و سقوط آن‌ها، شکل‌گیری قدرت‌های بزرگی به نام مغولان و تیموریان، و تغییرات اجتماعی برآمده از تحولات مذکور، همگی در تحول مفهوم سیادت دخیل بوده‌اند. بر همین اساس در ادوار نخست سیادت با مفهوم هاشمی برابری می‌کند، مفهومی وسیع که همه منتسبان به عبدالمطلب را در بر می‌گیرد. در این معنا، عباسیان نیز هم‌عرض با اولاد علی (ع) و فاطمه (س)^{۱۴} سیدند. به نظر می‌رسد با توجه به نفوذ و قدرت سیاسی عباسیان، طی این دوره سیادت با طالبی بودن (منتسبان به ابوطالب فرزند عبدالمطلب) مترادف است. پس از سقوط عباسیان و برآمدن حکومت مغولان و بروز تغییرات در فضای سیاسی - اجتماعی جهان اسلام، یعنی در پی از بین رفتن تأثیر حضور عباسیان، مفهوم سیادت به شکلی محدودتر به مفهوم علوی (فرزندان علی (ع)) نزدیک می‌شود. در نهایت در دوره صفویه در پی تأسیس حکومتی شیعی، که فارغ از فشارهای اعصار گذشته امکان اعمال نزدیک‌ترین مفهوم به بازماندگان اهل بیت نبوی فراهم آمد، سیادت با مفهوم واقعی‌اش یعنی فاطمی بودن (منتسبان به علی (ع) و فاطمه (س)) مترادف شد. آنچه شایسته توجه آن است که این انتساب از ناحیه پدر است نه مادر. فقط در یک مورد خاص سیدمرتضی، برادر سیدرضی، انتساب سیادت از ناحیه مادری را نیز درست می‌داند.^{۱۵} به هر روی، سیادت در ایران از آغاز تا دوره صفویه به لحاظ گستره شکل مفهومی متأثر از تغییرات سیاسی به سوی تحدید و تعیین چهارچوبی مشخص، که مراد علمای تشیع امامیه بود، میل کرد و در شیوه انتساب نیز طریقی نسبتاً واحد اتخاذ کرد. البته اشاره به این نکته ضروری است که گرچه سیادت در حکم مفهومی عمدتاً شیعی در واقعیت جامعه ایران تا دوره صفویه مسیر فوق را طی کرد، در متون فقهی هم‌چنان اصل بر برابری هاشمی و سیادت بود.^{۱۶}

۵. الاشراف علی سیادة الاشراف

این رساله، که در منابع با عنوان *رسالة فی تحقیق معنی السید و السیادة* نیز شناخته می‌شود، بر اساس آنچه در صفحه ۶۲۴ این نسخه خطی به دست نویسنده تحریر یافته است در ۹۷۰ق و بنا بر درخواست و به نام اعتمادالدوله شجاع‌الدین شریف حیدری صفوی نوشته شده است.^{۱۷} رساله مذکور به زبان عربی و خط نسخ است و در قالب بخشی از یک مجموعه موجود است.

رسالة الاشراف علی سیادة الاشراف نوشته سیدحسین مجتهد کرکی با بزرگداشت آل هاشم و آل عبد مناف آغاز شده است (کرکی، ۹۷۰: ۵۷۹). نویسنده سپس هدف از

نگارش رساله را اثبات درستی این ادعا (صحت انتساب سیادت مادری) و جلوگیری از انحراف به وجود آمده می‌داند (همان: ۵۸۵-۵۸۶). کرکی سپس می‌کوشد ضمن بیان معنای لغوی سید، عوامل ایجادکننده سیادت را بررسی کند (همان: ۵۸۰). آن‌گاه در پی آن است که مهم‌ترین مصداق سیادت، یعنی انتساب به هاشم بن عبد مناف، را شرح دهد. گرچه نویسنده به روشنی مسیر مطالعاتی خود را مشخص نمی‌کند، اما مطالعه این مجموعه نشان می‌دهد کرکی در صدد است به ترتیب مفهوم کلی سیادت، برتری، و رجحان گروهی از سادات (سادات فاطمی) بر کل سادات و در نهایت انتساب سیادت از ناحیه مادر را نشان دهد.^{۱۸}

به همین منظور، مجتهد کرکی می‌کوشد با نگاهی همه‌جانبه خواننده را با خود همراه کند و به هدف خویش سوق دهد.

۱.۵ تفکیک مبسوط و دقیق از مفهوم بنی‌هاشم با تأکید بر عنصر مادر

در این زمینه مؤلف می‌کوشد ضمن معرفی فرزندان عبدالمطلب در حکم مطلع سیادت، دقیقاً مشخص کند هر یک از آنان به لحاظ مادری چه نسبتی با هم دارند. نخستین مورد از این تفکیک برجسته کردن عبدالله پدر حضرت محمد (ص) و ابی‌طالب از دیگر برادران است (همان: ۵۸۳).^{۱۹} بر این اساس، این دو برادر از یک مادرند. نویسنده در مرتبه دوم علی بن ابیطالب را به این دلیل که نخستین هاشمی است، که هم پدر و هم مادرش، فاطمه بنت اسد بنت هاشمی، هاشمی‌اند، برجسته می‌کند (همان). او در گام بعد سادات فاطمی را از آن رو که هم از ناحیه پدر و هم مادر هاشمی‌اند و البته بر اساس مطالب فوق بسیار برجسته‌تر از باقی هاشمیان تشخیص بخشیده است و بر همه سادات ترجیح می‌دهد.^{۲۰} کرکی در آخرین گام از این تمایزبخشی بدان اشاره دارد که سادات از نسل امام باقر از آن رو که پدر ایشان حسینی، امام سجاد، و مادر ایشان حسنی، دختر امام حسن، است تمایز و تشخیصی عظیم دارند (همان: ۵۸۴).

از خلال آن‌چه گذشت به نظر می‌رسد مرحوم کرکی در پی اثبات دو پدیده هم‌زمان است. در مرحله نخست او در تکاپوی ترجیح بخشیدن به سادات فاطمی در برابر دیگر هاشمیان است. با وجود این به نظر نمی‌رسد این مطلب مقصود اصلی کرکی باشد، بلکه هدف اصلی‌اش تأیید فکر خود درباره گستره انتساب سیادت از طریق قاعده تکرار است. در واقع نویسنده با بیان چهار مرحله تفکیک سادات فاطمی از آغاز تا پایان در پی آن است که نقش مادر را در این پدیده نشان دهد. او درباره بزرگ‌نمایی نسب مادری ابی‌طالب و

محمد (ص)، علی (ع)، فاطمه (س)، و امام محمدباقر (ع) مکرراً تأکید دارد و در کنار شرافت مشترک پدری در پی تقویت آن با تشبث به نسب مادری است.

۲.۵ توجه به دلایل زیستی (biological) و برجستگی مقام زن

کرکی به منظور ورود به این موضوع، به نقد مدعای «ان النسبة و العلاقة فی الانتساب الابوی اشد و اقوی منه فی الامی» می‌پردازد. بر اساس این دیدگاه، وابستگی سرشت و نژاد و ژنتیک بیش از آن‌که به مادر متکی باشد به پدر متکی است. او در راستای نقد و کنار زدن مدعای این نظریه غالب چنین مطرح می‌کند که شرف و برتری از هر دو طرف منتقل می‌شود و نتیجه می‌گیرد که از آن‌جا که اولاد علی (ع) و فاطمه (س) از جانب پدر و مادر صاحب سیادت و شرف‌اند، بنا بر استحباب نزد شیعه، بنی فاطمه بر بقیه هاشمیین بنی علی و سپس بر باقی طالبیین و دیگر بنی‌هاشم در گرفتن خمس رجحان دارند.^{۲۱} کرکی در ادامه، چنان‌که از اندیشمندان شیعی و خردگرا انتظار می‌رود، با اتکا به دلایل زیستی چنین استدلال می‌کند که در تولد فرزند فقط پدر دخیل نیست و شاید مادر سهم بیش‌تری نیز داشته باشد؛ از همین رو شرافت هر کس ذوجهتین است. کرکی نه ماه نگره‌داری جنین در رحم مادر و شیر دادن نوزاد را در حکم شاهد می‌داند. بر همین اساس، با تکیه بر احادیث و روایات درباره تأثیرپذیری فرزند از مادر، تأثیر مادر را در سرشت فرزند بیش از پدر می‌داند (همان: ۵۸۷-۵۸۹). مؤلف تا بدان‌جا پیش می‌رود که حتی تولد حضرت عیسی (ع) از حضرت مریم با وجود فقدان پدر را شاهدهی بر تأثیر مادر در نسب فرزند می‌داند (همان: ۵۹۶).

۳.۵ توسعه مفهوم ذریه در قلمرو فرزندان دختر

گام دیگر نویسنده رساله سیادة الاشراف برای اثبات سیادت مادری، تکیه بر مفهوم ذریه به معنی فرزندان یا دودمان است. کرکی می‌کوشد با اطلاق مفهوم «ذریة النبی» درباره سادات فاطمی، افزون بر این‌که آن‌ها را برجسته و متمایز کند، مهم‌تر از آن سیادت مادری را اثبات کند. اصل بنیادین در این قسمت مسئله مستحقان خمس است. نویسنده در همین باره با تکیه بر آیات قرآن و احادیث و استفاده از مفاهیم صرف و نحو در زبان عرب بر آن است نشان دهد منظور از ذریه و ذی‌القربی در آیات و احادیث فقط به فرزندان پسر محدود نیست^{۲۲} (همان: ۶۰۳-۶۱۹). گفتنی است این تکاپو در راستای دفاع از حقوق سادات

فاطمی است. در همین باره نویسنده به روایات متعددی متوسل می‌شود. او در این ماجرا بر آن است که اولاً ترجیح سادات فاطمی بر بقیه بنی‌هاشم را اثبات کند و ثانیاً کاربرست مفهوم ذریه را به فرزندان دختر نیز توسعه دهد.^{۲۳}

احتجاج دیگر او به ماجرای مباحله است؛ ماجرای مهم در تاریخ ۲۳ ساله رسالت پیامبر که فاطمه در کنار علی و حسن و حسین علیهم‌السلام در مقام انصار و ابنای ایشان معرفی می‌شوند. مجتهد کرکی همین ماجرا را نشانه‌ای دال بر برابری پدر و مادر در انتقال شرافت می‌داند. او طبق همین آیه و با توجه به مفهوم ابنا، حسن و حسین را فرزندان پیامبر می‌داند (همان: ۶۱۸).

۶. رساله فی اولاد البنات؛ بازنگری در حقوق زن

این رساله در منابع با عناوین «اثبات سیادة اولاد الاناث» و «سیادة الاشراف» نیز شناخته می‌شود.^{۲۴} بنا بر گفته مؤلف، این رساله به توصیه و برای میرزا حبیب‌الله صدر^{۲۵} نوشته شده و زبان آن عربی و به خط نسخ است. گرچه این رساله در مقایسه با رساله مجتهد کرکی مختصرتر است، اما با خود مفاهیمی مهم را بدون اطناب و اتلاف منتقل کرده است. سیداحمد علوی خیلی زود و بدون مقدمه اهمیت و ضرورت نگارش این رساله را چنین مطرح می‌کند که سادات در بحث انتقال اموال و ارث همه اموال خود را به فرزندان ذکورشان می‌بخشند؛ به طوری که اگر نسل ذکور نداشته باشند، آن‌ها را به یکی از پسران در خاندان خود می‌دهند؛ در حالی که خود صاحب اولاد دخترند (علوی عاملی، بی‌تا: ۲۹۵). مسئله او آن است که از نظر سادات اقربا شامل اولاد پسری می‌شوند. نویسنده رساله در ادامه تحلیل می‌کند که چنین منطقی، که صرفاً پسر اولاد و اقربای فرد است، نخست برگرفته از تفکر جاهلی است که خود را در برخی اشعار آن عصر نیز نشان می‌دهد. دوم این‌که او با طرح و نشان دادن چالشی عمیق، که در این تفکر وجود دارد، تفکر فوق را عقیده افرادی می‌داند که حسن بن علی و حسین بن علی علیهم‌السلام را اولاد پیامبر تلقی نمی‌کنند؛ زیرا فرزندان دخترشان اند نه فرزندان پسرش (همان: ۲۹۶).

مؤلف پس از این مقدمات می‌کوشد با یک رشته دلایل قرآنی و روایی در پی پاسخ به این مسئله برآید. نخستین اشاره ایشان هم‌چون مجتهد کرکی به ماجرای مباحله در قرآن است. مؤلف بر اساس همین واقعه حسن و حسین را فرزندان پیامبر معرفی می‌کند. سپس خواننده را با این پرسش مواجه می‌کند که آیات قرآن مهم‌تر است یا اشعار جاهلی؟ در ادامه باز هم به کمک قرآن در صدد اثبات نظر خود است. این بار ایشان دوباره مانند مجتهد

کرکی ماجرای تولد حضرت عیسی را بیان می‌کند. وی به کمک آیات قرآن و این‌که حضرت عیسی فقط صاحب مادر است نتیجه می‌گیرد که در انتساب لفظ ذریه فقط نسب پدری ملاک نیست (همان: ۲۹۷). در ادامه نیز با اشاره به ماجرای مناظره امام موسی کاظم (ع) با هارون الرشید در پی اثبات آن است که اولاد حضرت علی (ع) اولاد پیامبر نیز هستند (همان: ۲۹۸). مؤلف در ادامه ضمن بیان رویارویی امام سجاد با یزید اشاره می‌کند که طی خطابه‌ای خود را فرزند رسول خدا معرفی می‌کند (همان: ۳۰۱). سپس بار دیگر با بیان تبعیضی که درباره قانون ارث میان اولاد پسری و دختری وجود دارد مسئله فوق را به چالش می‌کشد. محتوای این رساله را می‌توان چنین بررسی و تبیین کرد:

نخست آن‌که گویا در زمانی که این رساله نوشته می‌شده است مفهوم سیادت فاطمی، یعنی مضیق‌ترین و در عین حال دقیق‌ترین مفهوم سیادت از نظر شیعیان آن‌چنان تثبیت شده بود که نویسنده حتی لازم نمی‌دانست دست‌کم به اختصار به سابقه سیادت و برتری سادات فاطمی نیز پردازد.^{۲۶}

دیگر آن‌که هرچند مؤلف هدف اصلی از تحریر این رساله را تبیین اشکالی در قانون ارث می‌داند، اما در خلال آن به تعمیم این نابرابری نیز می‌پردازد و پس از نشان دادن چالش‌ها و اشکالات فوق به مسئله انتساب سیادت از جانب مادر می‌پردازد، موضوعی که از خلال آن، مبتنی بر الهیات و کلام شیعی، می‌تواند بسیاری از موضوعات شبه پارادایمیک فقهی را با چالش و بازنگری‌های اساسی مواجه کند.

۷. تحلیلی درباره چرایی انتساب سیادت از طرف مادر

از مجموعه اطلاعاتی که از منابع این عصر به دست آمده است به علاوه آگاهی‌هایی که از خود نسخ کسب شده‌اند این دو نسخه منابع معتبر و شایسته توجه‌اند. به لحاظ ارزش و اهمیت نیز از آن رو درخور بررسی‌اند که این دو نسخه خطی علاوه بر آن‌که بیانگر تحولات و چالش‌های مفهوم سیادت از آغاز تا دوره صفویه‌اند آگاهی‌های مهم و شایان توجهی نیز از حیات مذهبی و اجتماعی عصر صفوی را به تصویر می‌کشند. واضح‌تر آن‌که این نسخ به مفهوم سیادت نگاهی بدیع دارند. افزون بر این، گرچه تغییر در مفهوم سیادت در کانون توجه نویسندگان نسخ بوده، بی‌شک حامل تأثیرات و ناظر بر نگرش‌هایی در متن جامعه ایران عصر صفوی بوده است. دیگر این‌که، گرچه مخاطب این نظرهای بدیع گروهی خاص یعنی سادات بودند، اما ممکن بود در طیفی فراگیر مجموعه زنان عصر صفوی را در بر گیرند. این نگاه با زاویه‌ای متفاوت با آن‌چه در جامعه آن عصر جاری بود ممکن بود

باعث تعدیل در قوانین اجتماعی و حرکت آن‌ها به سوی بازنگری در حقوق و تغییر در شئون اجتماعی زنان شود. به هر حال، شایسته توجه آن است که این تفکر، یعنی انتساب سیادت از جانب مادر، دست‌کم تا پایان عصر صفوی به حیات خود ادامه داد. نشانه این امر تألیف *فضائل السادات* تألیف محمداشرف بن عبدالحسیب عاملی نوه سیداحمد علوی عاملی در همان قالب و سپهر فکری مجتهد کرکی و جدش سیداحمد علوی است.

اکنون با تشریح نسخ مد نظر به تحلیل این پدیده می‌پردازیم. مسئله زمانی اهمیتی دوچندان می‌یابد که احتمال آن که میرداماد نیز دارای چنین نظر و رساله‌ای بوده است را قریب به یقین تلقی کنیم. گرچه هنوز از زمینه‌های چنین اقدامی نشانه‌های روشن و کافی وجود ندارد، می‌توان عوامل و زمینه‌های احتمالی زیر را بررسی کرد.

نخست باید این مسئله را در ارتباط با خاستگاه اجتماعی این گروه از نویسندگان بررسی کرد. سیدحسین مجتهد کرکی و سیداحمد علوی عاملی هر دو از طیف سادات مهاجر در عصر صفویه بودند که در دوره مذکور به ایران آمده بودند. این گروه از سادات بر خلاف سادات مقیم در ایران، هیچ‌گونه جایگاه اقتصادی و اجتماعی تثبیت‌شده‌ای نداشتند. این مسئله زمانی پذیرفتنی است که آن را با وضعیت خاندان‌هایی هم‌چون سادات مرعشی، کیایی، شریفی، استرآبادی، مختاری، و نعمت‌اللهی^{۲۷} مقایسه کنیم که یا به چنان جایگاهی رسیده بودند که سابقه و داعیه تشکیل حکومت داشتند و یا از طرق گوناگون مانند زمین‌داری و کشاورزی به ثروتی عظیم دست یافته بودند.^{۲۸} این وضعیت عملاً به آن‌ها و وابستگان‌شان نوعی منزلت اجتماعی و قدرت اقتصادی می‌بخشید. اکنون با این پیش‌فرض، سادات مهاجر می‌توانستند با توسعه مفهوم سیادت بخش بیش‌تری از خاندان‌شان را تحت پوشش امتیازات و بهره‌های ویژه سادات قرار دهند و کاستی‌هایشان در مقایسه با سادات ایرانی را جبران کنند. امتیازاتی که بعدها به دست محمد اشرف در *فضائل السادات* به شکلی همه‌جانبه به تصویر کشیده شد. به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد رسالات فوق در پاسخ به نوعی نیاز و خواسته در جامعه خود نوشته شده‌اند. آنچه این گزاره را تقویت می‌کند آن است که بنا بر آنچه در صفحات قبل گفته شد، دو نسخه فوق بنا بر خواست وزیر اعظم و صدر حکومت صفوی نوشته شده است؛ گویی برای این دو صاحب منصب در این باب مراجعاتی شده است. نکته مهم در این میان آن است که یکی از این دو، میرزا حبیب‌الله صدر، افزون بر آن که خود از گروه سادات مهاجر از خاندان کرکی است صاحب منصبی است که مسئول رسیدگی همه‌جانبه به امور سادات^{۲۹} (اسکندریگ منشی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۱۲۵۰) در عصر صفویه و در عمل جانشین منصب نقیب السادات در ادوار پیشاصفوی است.

از منظری دیگر می‌توان پدیده مد نظر را در فضای تقابلات فکری گروه سادات و علمای مهاجر و ایرانی بررسی کرد. مهم‌ترین عنصر در شکل دادن به این تقابل محقق کرکی بود که در دوره شاه تهماسب اول به عالم طراز اول حکومت صفوی بدل شد و در امور مختلف دخل و تصرف داشت؛ تا جایی که در حذف علمای ایرانی، مانند غیاث‌الدین دشتکی و تعدادی دیگر، نقشی اساسی ایفا کرد. بعد از او مجتهد کرکی مذکور نیز به جایگاهی البته کم‌تر از محقق کرکی دست یافت. این تقابل خود را در مسائلی هم‌چون حلیت یا حرمت نماز جمعه در زمان غیبت امام زمان و مشروعیت حکومت صفوی یا مشروعیت نداشتن آن حکومت نشان داده بود.^{۳۰} این دوگانگی و اتهام‌زنی در رساله مجتهد کرکی نیز ذکر شده بود که قبلاً به آن اشاره شد.

نکته شایان توجه در این قسمت آن است که خاستگاه خانوادگی نویسندگان رسائل و میرداماد یک‌سان است. به عبارت بهتر، آن‌ها هر سه نوه دختری محقق کرکی‌اند که نماینده طیف علمای مهاجر در تقابل با علمای ایرانی است. بی‌شک خاستگاه خانوادگی مشترک حول محور محقق کرکی می‌توانسته است هم‌سانی‌های فکری نیز ایجاد کند؛ همان‌طور که پدران این سه عالم از شاگردان محقق بوده‌اند.

۸. نتیجه‌گیری

دو نسخه خطی *الاشراف علی سیادة الاشراف و رساله فی اولاد البنات* هر دو منابعی در نوع خود بدیع‌اند که محصول دو تن از سادات مهاجر به ایران در دوره صفویه است. نویسندگان این نسخ کوشیده‌اند ضمن تبیین نظریه نادر و متروک سیدمرتضی درباره انتساب سیادت از جانب مادر، دایره مفهومی و مصداقی سیادت را توسعه دهند.

در تحلیل چرایی این رویکرد نیز می‌توان به علل خرد و کلان تکیه و اشاره کرد. در نگاه خرد، تنش‌های احتمالی سادات مقیم و سادات مهاجر به ایران عصر صفوی اختلاف در میزان تثبیت موقعیت و برخورداری این دو گروه از منافع ناشی از منزلت اجتماعی و مبانی فقهی سادات در جامعه ایران عصر صفوی بود و در نهایت نیاز مقامات حکومت صفوی، به‌ویژه مقام صدر در جایگاه مسئول رسیدگی به امور سادات، در بازطراحی این نظریه نقش مؤثری داشته است.

در تحلیلی کلان و گسترده‌تر می‌توان چنین بررسی کرد که ایجاد انسجام فقهی - کلامی برای مذهب تشیع در پی برآمدن صفویان در ایران‌زمین با محوریت علمای شیعی و به‌ویژه

سادات امکان‌پذیر شد؛ البته تکاپوی علمای شیعی طی این دوران خالی از تقابلات فکری - نظری و مسائل چالش‌برانگیز گوناگون در حوزه‌های فقهی و کلامی نبود. شیعیان هرچند از آغاز الهیاتی (کلامی) مستقل از اهل سنت داشتند، اما از این نظر که همواره در حوزه فقه به شدت متأثر از اسلام تسنن بودند در این هنگام فارغ از اصل تقیه، به وسعت گذشته، امکان طرح مکتب مستقل فقهی با پشتوانه نظام کلامی خود را فراروی دیدند. همان‌طور که قبلاً گفته شد، نویسندگان نسخ نیز از محیطی با حاکمیت فقه اهل سنت، عثمانی، به ایران ماجرت کرده بودند. به‌واقع، در خوانش و تحلیل دو متن فوق افزون بر عامل رقابت‌های درون‌گروهی علمای شیعی یا رویکردهای ناشی از نیازمندی‌های بازماندگان خاندان رسالت لاجرم باید بر تحلیل فوق نیز تکیه و تأکید کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بخشی از این غفلت ناشی از رویکردهای تاریخ‌نگاری ایرانی در اعصار گذشته است که نگاه خود را بیش‌تر به تاریخ سیاسی معطوف می‌دارد.
۲. این واژه وام‌گونه‌ای از ضعیفه؛ بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی نوشته بنفشه حجازی است.
۳. این نسخه خطی در کتاب‌خانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۹۸۸/۸ (ص ۵۷۹-۶۳۴) ثبت شده است.
۴. این نسخه خطی در کتاب‌خانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۶۶۴/۲۸ (ص ۲۹۴-۳۰۲) ثبت شده است.
۵. این مسئله قبلاً دست‌مایه نگارش مقاله‌ای به‌دست نگارنده بوده است (← الهیاری، حسن و سیدهاشم آقاجری (۱۳۹۴). «جایگاه سادات در منصب کلانتری در دوره صفویه»، دوفصل‌نامه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره هفتم، ش ۱).
۶. برای فهم بهتر نقش سادات در ساختار حکومت صفوی ← آقاجری، ۱۳۸۹؛ الهیاری، ۱۳۹۱.
۷. تقسیم سادات به دو گروه مقیم و مهاجر یا ایرانی و غیرایرانی در این دوره و شناسایی و معرفی خاندان‌های آنها و چیدمان جغرافیایی برای نخستین‌بار به‌دست نگارنده در رساله دکتری وی طرح موضوع شده است. برای درک بهتر از پراکندگی جغرافیایی خاندان‌های سادات در ایران عصر صفوی و مفاهیمی هم‌چون سادات ایرانی و غیرایرانی ← الهیاری، ۱۳۹۱.
۸. مهدی فرهنگی منفرد در مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی به علل این مهاجرت و نتایج آن به‌خوبی پرداخته است (برای فهم دقیق این موضوع ← فرهنگی منفرد، ۱۳۸۸).

۹. این که سیدحسین مجتهد کرکی فرزند چه کسی است و آیا در دوره صفویه دو سیدحسین کرکی داشته‌ایم، که با هم خلط بحث شده‌اند، عده‌ای از صاحب‌نظران اظهاراتی بیان کرده‌اند که البته به نظر قاطعی دست نیافته‌اند. مهم‌ترین و جدی‌ترین تحقیقات مطالب میسوط سیدهاشم آقاجری در مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در عصر صفوی است که ضمن بیان ادله‌ای معتقد است سیدحسین مجتهد عصر شاه تهماسب و سلطان محمد خدابنده با کسی که میرزا حبیب‌الله صدر پسر اوست یکی نیست و جد حبیب‌الله میرحیدر کرکی است نه میرسید حسین. رسول جعفریان نیز در نقش خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی مباحثی را مطرح کرده است که البته در نهایت نیز به نظر قاطعی در این باره دست نیافته است (برای اطلاعات بیشتر ← جعفریان، ۱۳۸۷).

۱۰. پادشاهی کوتاه‌مدت شاه اسماعیل دوم نقطه بحران حیات صفویان بود. وی در منابع مختلف عصر صفوی متهم به گرایش‌های تسنن و جانب‌داری از آن‌هاست. به همین دلیل، بخش زیادی از علما و سادات دربار صفوی، که داعیه‌دار مذهب تشیع بودند، درباره همکاری با وی ابراز تمایل نکرده‌اند و سعی داشتند با وی مخالفت کنند. با همه تلاش‌هایی که شده هنوز چهره واقعی این شاه صفوی در غبار تاریخ مانده است؛ حتی مرگ وی نیز در منابع مبهم و رازآلود است (برای آگاهی بیشتر تر درباره شاه اسماعیل دوم و پیامدهای حکومت کوتاه‌مدت وی ← هینتس، والتر ۱۳۸۱). شاه اسماعیل دوم صفوی، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: علمی و فرهنگی؛ خلیلی، نسیم (۱۳۹۳). *گفتمان نجات‌بخشی در ایران عصر صفوی*، تهران: علمی و فرهنگی).

۱۱. پدر میرداماد نیز داماد محقق کرکی بوده است. بنابراین میرداماد، میرسیدحسین مجتهد کرکی، و میرسیداحمد علوی هر سه از نظر تبار مادری یک‌سان بوده‌اند.

۱۲. حاشیه بر *تقویم الایمان* میرداماد است.

۱۳. نام دیگر این کتاب *منهاج الصفوی* است. این کتاب در قالب نسخه خطی به شماره ۱۳۹۸ در کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه در قم است.

۱۴. معنایی که اکنون به ذهن متبادر می‌شود.

۱۵. علوی عاملی، سیدمحمد اشرف (۱۳۳۹). *فضائل السادات*، قم: شرکت المعارف و الآثار.

۱۶. این سیر تحول در مقاله‌ای به قلم نگارنده مقاله کنونی به تصویر کشیده شده است (در این باره ← الهیاری و آقاجری، ۱۳۹۰). در پایان این قسمت و پیش از تشریح دو رساله مذکور، توجه به این نکته لازم است که در دوره صفویه از رساله‌ای دیگر به نام *رساله فی سیاده المنتسب بالام الی بنی‌هاشم* که گویا میرداماد (د ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ق) تألیف کرده نیز سخن رفته است. به نام این رساله و موضوع آن، که اثبات انتساب از جانب مادر برای سیادت است، در منابعی مانند *الذریعه* و برخی منابع دیگر اشاره شده است، اما متأسفانه جست‌وجو برای یافتن آن در مراکز اسناد یا نزد اشخاص بی‌نتیجه ماند (← طهرانی، بی‌تا؛ بحرانی، بی‌تا).

۱۷. ← کتاب‌نامه.

۱۸. بر اساس آنچه در بخش قبل بیان شد، مفهوم سیادت فاطمی در دوره صفویه قطعی شده و عینیت یافته بود. نویسنده با پذیرش این پیش‌فرض و البته تلاش برای تثبیت بیش‌تر آن درصدد است گستره سیادت فاطمی را توسعه دهد.

۱۹. کرکی درباره این برتری روایتی را از *عیون الرضویه* چنین نقل می‌کند که حاصل گفت‌وگوی هارون الرشید و امام موسی کاظم (ع) است. هارون از ایشان می‌پرسد چگونه شما بر ما ادعای فضل و برتری می‌کنید در حالی که همه از فرزندان عبدالمطلب هستیم؟ امام می‌گوید قرابت ما بیش‌تر است؛ زیرا اجداد پدری و مادری ما، ابی‌طالب و عبدالله، هر دو از یک مادر متولد شده‌اند؛ او درصدد است نقش مادر را برجسته کند.

۲۰. این تمایز در سراسر مقاله دیده می‌شود، بنابراین به ارجاع خاصی نیازی نیست.

۲۱. اصولاً آنچه با مفهوم سیادت ارتباطی تنگاتنگ دارد پدیده فقهی خمس در تفکرات شیعه دوازده‌امامی است. سید کسی است که مستحق خمس است و آن که خمس می‌گیرد بی‌شک سید است. در این باره نیز مجتهد کرکی با استفاده از رجحان در گرفتن خمس در پی انطباق سیادت با مفهوم سیدفاطمی است.

۲۲. کرکی این مسئله را به تفصیل مطرح کرده است که نشان‌دهنده اهمیت آن است.

۲۳. این روایت مربوط به سفر حج هارون الرشید عباسی و امام موسی کاظم (ع) است. این دو نفر در مفهوم کلی هر دو هاشمی و سیدند. هنگامی که هر دو به مدینه و زیارت قبر پیامبر می‌روند هارون پیامبر را با عبارت «سلام بر رسول خدا، سلام بر پسرعمویم که مایه افتخار در عرب است» خطاب قرار داده زیارت می‌کند، اما موسی بن جعفر با عبارت «سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای پدرم» به استقبال می‌رود. این مسئله باعث تغییر هارون می‌شود و او را بازخواست می‌کند که شما بر چه اساسی خود را از ما به پیامبر نزدیک‌تر می‌دانید. موسی بن جعفر به او می‌گوید آیا اگر پیامبر برگردد و دخترت را از تو خواستگاری کند می‌پذیرید؟ هارون تأیید و استقبال می‌کند. امام در ادامه می‌گوید اما این مسئله درباره ما صدق نمی‌کند؛ زیرا ما نوه و محرم ایشان هستیم. در همین گفت‌وگو دوباره هارون از امام علت اطلاق ذریه بر خویش را بازخواست می‌کند؛ در حالی که از نظر او ذریه به معنی انتساب پدری است. امام نیز در جواب ماجرای تولد حضرت عیسی از مریم را مطرح می‌کند؛ در حالی که از نظر قرآن ذریه داوود و سلیمان و زکریا و یحیی و عیسی را ذریه حضرت ابراهیم می‌داند. «وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدُ وَ سُلَيْمَانُ وَ أَيُّوبُ وَ يُوسُفُ وَ مُوسَى وَ هَارُونُ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ وَعِيسَى وَ الْإِسْحَاقَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ» (انعام: ۸۴-۸۵). کرکی می‌کوشد با ایجاد هم‌سانی میان ماجرای حضرت مریم و حضرت فاطمه سیادت از ناحیه مادر را اثبات کند (کرکی، ۹۷۰: ۶۱۶-۶۱۸). این ماجرا در اشکالی دیگر نیز روایت شده است که در ادامه همین مطالب در رساله سیادة الاشراف ذکر شده است. همه این منقولات معطوف به مفهوم ذی‌القربی و ذریه‌النبی درباره سادات فاطمی است.

۲۴. بر اساس یادداشت پایان رساله در سال ۱۰۴۷ هجری قمری در مسجد شیخ لطف‌الله به دست محمدقاسم بن احمد بن محمد طبرستانی تحریر شده است.

۲۵. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، وی از سادات کرکی و صاحب مقام صدر در دوره صفویه بوده است.

۲۶. تثبیت سیادت مطابق با سیادت فاطمی در عصر صفوی نه فقط در حوزه نظر بلکه در بعد عملی نیز انجام شده بود. یکی از مواردی که به خوبی مبین این ادعاست، صورت وقف‌نامه‌های این عصر است. در وقف‌نامه‌های این عصر اگر مصرف وقف برای سادات مشخص شده بود، به صراحت به بعد فاطمی بودن آن نیز اشاره شده بود. مشهورترین وقف‌نامه این دوره متعلق به شاه عباس اول صفوی است. او در وقف‌نامه بزرگش مصارف وقف را درباره سادات فاطمی معین می‌کند (برای مطالعه این وقف‌نامه ← حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴؛ منجم یزدی، ۱۳۶۶).

۲۷. خاندان‌های اشاره‌شده قبل از برآمدن صفویان به ایران آمده و سکونت کرده بودند.

۲۸. در منابع عصر صفوی ما با گروه‌هایی از سادات آشنا می‌شویم که از طریق زمین‌داری، کشاورزی، و تجارت صاحب ثروت فراونی‌اند. این ثروت با توسعه موروثی خود حتی باعث ایجاد قدرت و شهرت محلی برای سادات نیز شده بود. از جمله این گروه‌ها می‌توان به سادات مختاری سبزوار، سادات نعمت‌اللهی یزد، سادات خبیصی کرمان و ... اشاره کرد. وجه مشترک همه این گروه‌های سادات آن است که قبل از صفویان به ایران آمده و ساکن شده بودند؛ بنابراین در دوره بررسی شده جزو سادات مقیم به‌شمار می‌رفتند نه مهاجر (برای آشنایی با نمونه‌هایی از این دست ← خواندمیر، ۱۳۶۲؛ قمی، ۱۳۵۹؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲؛ کیا گیلانی، ۱۴۰۹: ۱۲۶-۱۳۹؛ مشیزی، ۱۳۶۹).

۲۹. میرزا سمیعا، ۱۳۶۸.

۳۰. برای درک جزئیات این تقابلات ← فرهانی منفرد، ۱۳۸۸.

کتاب‌نامه

افندی اصفهانی، میرزا عبدالله (۱۳۶۶). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، ترجمه محمدباقر ساعدی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

آقاجری، سیدهاشم (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی*، تهران: طرح نو.

آقاجری، سیدهاشم و حسن الهیاری (۱۳۹۰). «تحول و تنوع مفهوم سیادت در عصر صفویه»، *فصل‌نامه مطالعات تاریخ اسلام*، س ۳، ش ۹.

امین، سیدمحسن (بی‌تا). *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

الهیاری، حسن (۱۳۹۱). «تبیین تاریخی سیادت و نقش و جایگاه سادات در دوره صفویه»، دانش‌نامه دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- بحرانی، شیخ یوسف (بی تا). *لولوة البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث*، تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت للطباعة و النشر.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷). *نقش خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی*، تهران: علم.
- حر عاملی، شیخ محمد بن حسن (بی تا). *الامل الامل*، تصحیح احمد حسینی، بغداد: مکتبه اندلس.
- حسینی استرآبادی، حسن بن مرتضی (۱۳۶۴). *از شیخ صفی تا شاه صفی از تاریخ سلطانی*، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: نشر علمی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین همادالدین الحسینی (۱۳۶۲). *حیب السیر*، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی خیام.
- طهرانی، شیخ آقازرگ (بی تا). *الدربعه الی تصانیف الشیعه*، تحقیق علی نقی منزوی، ج ۵، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- علوی عاملی، سید احمد بن زین‌العابدین بی تا). *رساله فی اولاد البنات*، نسخه خطی موجود در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۹۶۶۴/۲۸.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۸). «مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی»، تهران: امیرکبیر.
- قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹). *خلاصه التواریخ*، به تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
- کیا گیلانی، احمد بن محمد بن عبدالرحمن (۱۴۰۹ق). *سراج الانساب*، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی.
- مجتهد کرکی، سیدحسین (بی تا). *الاشراف علی سیادة الاشراف*، نسخه خطی موجود در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۹۸۸/۸.
- مشیزی، میرمحمد سعید (۱۳۶۹). *تذکره صفویه کرمان*، به تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم.
- منجم یزدی، ملا جلال‌الدین (۱۳۶۶). *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
- منشی، اسکندربیگ (۱۳۷۷). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- میرزا سمیعا (۱۳۶۸). *تذکره الملوک*، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: امیرکبیر.
- واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲). *خلد برین*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.